

اخبار

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

حضوری بر گزار می‌شود



جوادى در پاسخ به این پرسش که برخى شنیده‌ها حکایت از احتمال برگزاری نمایشگاه در آبان ماه دارد، گفت: ممکن است نمایشگاه بسیار زودتر برگزار شود، ما درصدد هستیم نمایشگاه کتاب تهران را در صورتی که شرایط فراهم شود، در شهریور ماه نیز برگزار کنیم.

محسن جوادى، معاون فرهنگى وزارت ارشاد اسلامى و رئیس نمایشگاه کتاب تهران، از تصمیم جدى این وزارت‌خانه برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در سال جارى و در ماه‌هاى پیش‌رو خبر داد: به‌محض آرام‌تر شدن اوضاع و ثابت شدن شرایط نمایشگاه کتاب تهران را برگزار خواهیم کرد.

به گزارش تسنیم، وى در پاسخ به این پرسش که برخى شنیده‌ها حکایت از احتمال برگزاری نمایشگاه در آبان ماه دارد، گفت: ممکن است نمایشگاه بسیار زودتر برگزار شود، ما درصدد هستیم نمایشگاه کتاب تهران را در صورتی که شرایط فراهم شود، در شهریور ماه نیز برگزار کنیم.

روز گذشته، شنبه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى اعلام کرد که به‌دلیل استقبال مخاطبان از هفتمین نمایشگاه مجازى کتاب تهران و به‌دخواست ناشران این رویداد تا چهارم خرداد تمدید خواهد شد؛ این در حالى است که به‌ازعان ناشران نمایشگاه کتاب مجازى در این دوره با استقبال اندک مخاطبان مواجه شده است و یكى از مهمترین دلایل این امر تبلیغات اندک برای این نمایشگاه بوده است.

«کریستین مونجیو» فاتح نخل طلاى کن شد



فیلم «فیورد» ساخته کریستین مونجیو، کارگردان مطرح رومانیایی به عنوان برنده نخل طلاى بهترین فیلم هفتاد و نهمین جشنواره کن انتخاب شد.

به گزارش ایسنا، مراسم اختتامیه هفتاد و نهمین جشنواره فیلم کن در حالى به پایان رسید که فیلم «فیورد» ساخته کریستین مونجیو جایزه اصلی نخل طلاى بهترین فیلم را به خود اختصاص داد.

این فیلم پیش از مراسم اختتامیه جایزه بهترین فیلم از نگاه هیات داوران فدراسیون بین‌المللى منتقدان فیلم (فیپرشی) را نیز از میان آثار بخش مسابقه اصلی دریافت کرده بود. فهرست برندگان هفتاد و نهمین جشنواره فیلم کن:

نخل طلاى بهترین فیلم: «فیورد» (Fjord) به کارگردانى کریستین مونجیو

جایزه بزرگ «مینیوتور» (Minotaur) به

کارگردانى آندرو زیباگینتسف

بهترین کارگردان (به طور مشترک): خاویر کالوو و خاویر آمبروسى برای فیلم «توپ سیاه» (The Black Ball)؛ پائو پاولیکوفسكى برای

فیلم «سرزمین پدری» (Fatherland)

جایزه هیا داوران: «ماجرای رویایی» (The Dreamed Adventure) به کارگردانى والسکا گریزناخ

بهترین بازیگر زن: تائو اوکاموتو و ویرژینی افیرا برای فیلم «ناگهان» (All Of A Sudden) بهترین فیلمنامه: امانوئل مار برای فیلم «مرد زمان خودش» (A Man Of His Time) بهترین بازیگر مرد: امانوئل ماکیا و والتین کاهپانی برای فیلم «بزدل» (Coward)

دوربین طلا (بهترین اولین فیلم بلند): «بنی‌مانا» (Ben'Imana) به کارگردانى مارى-کلمانتینوساژیمو

بخش مسابقه فیلم‌هاى کوتاه – نخل طلاى فیلم کوتاه: «برای مخالفان» (For The Opponents) به کارگردانى فردیکو لوئیس

در سینمای ایران، حاشیه اغلب بر متن غلبه دارد و همین غلبه حاشیه بر متن باعث شده نگارنده درباره فیلمی ضعیف و سطح پایین به نام «تهران کنارت» سه مطلب در قالب‌های مختلف بنویسد. فیلمی که اگر اصول گرایان آن را این‌قدر جدی نمی‌گرفتند و برایش کمپین راه نمی‌انداختند، بعید بود حتی به اندازه دستمزد بازیگرانش هم فروش کند. اما مطابق انتظار، همان کسانی که در ظاهر خود را دوستدار نظام و انقلاب می‌دانند، در حرکتی به ظاهر دغدغه‌مند کاری کردند که یک فیلم درجه‌دو به بحران فرهنگی تبدیل شود و کارگردانش هم با سرى افراشته و از موضع طلبکار، ویدیویی منتشر کند با این مضمون که: «من فیلمی درخشان ساخته‌ام و این شما تماشاگران هستید که توانایی درک آن را ندارید!»

به گزارش رویداد۲۴، اما تقصیر بروز چنین بحرانی را نمی‌توان صرفاً به گردن یک جناح سیاسی انداخت و از مدیریت فشل فرهنگی کشور سخنی نگفت؛ مدیریتی که با هر تهدیدی خیلی زود تسلیم می‌شود و حتی حاضر است رئیس سازمان سینمایی خود را راهی دادگاه کند تا خط و خشی به عقاید دوستان اصول‌گرا وارد نشود.

مسئله این نیست که فیلمی مثل «تهران کنارت» مشکل دارد یا نه؛ مسئله، بی‌اعتبار شدن مجوزهای وزارت ارشاد است. مجوزهایی که به‌راحتی قابلیت لغو شدن دارند و ردپای این بی‌اعتباری را می‌توان در ماجرای کنسرت‌های موسیقی هم مشاهده کرد. اگر «تهران کنارت» فیلمی مسئله‌دار و حساسیت‌برانگیز بود، چرا برای آن مجوز ارکان صادر شد؟ و اگر فیلم مشکلی نداشت، چرا وزارت ارشاد با یک اعتراض ساده تسلیم شد و فیلم را از پرده سینماها پایین کشید؟ این شکل از مدیریت فرهنگی باعث شده حوزه فرهنگ به‌صورت جزیره‌ای و ملوک‌الطوایف اداره شود؛ وضعیتی که هرکس از بیرون به آن نگاه کند، با خود می‌گوید وزارت ارشادی که حتی توان دفاع از مجوزهای خودش را ندارد، اساساً چرا باید وجود داشته باشد؟

البته توقیف و جنجال‌هایی از این دست، در سینمای ایران اولین بار نیست که رخ می‌دهد و سابقه‌ای طولانی دارد. به بهانه حواشی «تهران کنارت»، نگاهی انداخته‌ایم به فیلم‌هایی که با جنجال فراوان از پرده سینما پایین کشیده شدند.

«برزخی‌ها»: اولین جنجال بزرگ سینمای بعد از انقلاب

سینمای ایران در سه چهار سال نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت آشفته‌ای داشت و این آشفتگی باعث شده بود ستاره‌های سینمای قبل از انقلاب تکلیف خود را ندانند و در بلاکنلیفی بمانند. ایرج قادری تلاش کرد با ساخت «برزخی‌ها» و جمع کردن تمام ستارگان سینمای ایران پیش از انقلاب – به‌جز بهروز وثوقی- در قالب فیلمی انقلابی و مملو از شعارهای مورد پسند حاکمیت جدید، سینمای ایران را از رکود خارج کند.

نتیجه این اقدام، فیلم «برزخی‌ها» بود که به بهار سال ۱۳۶۱ اکران شد و نتیجه‌اش حیرت‌انگیز بود. فیلم در مدت کوتاهی و در دوران دلار دوتومانی، هشت میلیون تومان فروخت و دقیقاً بعد از همین فروش رویایی بود که همه‌چیز به هم ریخت.

مدیران فرهنگی جدید، از جمله سیدمحمد خاتمی،

و چهره‌های فرهنگی تازه‌واردی مانند محسن مخملباف شروع به حمله به فیلم کردند. روایت عبدالمجید معادیخواه، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از دلایل توقیف «برزخی‌ها» روایت جالبی است: «آن زمان دعای مفصلی به وجود آمد که از آقای مخملباف گرفته

تا آقای مسیح مهاجری علیه من موضع می‌گرفتند. دعوا بر سر ارکان فیلم برزخی‌ها بود. این مسئله خودش پرونده‌ای شد که به همه‌جا، از جمله مجلس، کشیده شد. بسیجی‌ها علیه بنده راه افتادند و بخشی از آن در مطبوعات آن دوران ثبت شده است. هم مطبوعاتی که آقای خاتمی اداره می‌کردند، مثل کیهان، به ما می‌تاختند و هم امثال آقای مخملباف فریاد و اسلاما سر می‌دادند. در آن هیاهو هیچ‌کس نیامد ببیند اصلاً داستان فیلم برزخی‌ها چیست.»

نتیجه این حملات، خانه‌نشینی و ممنوع‌الکاری تقریباً تمام بازیگران فیلم بود. قادری نیز تا سال‌ها نتوانست بازی کند و پس از ساخت «تاراج» هم مدتی طولانی از کارگردانی محروم شد. جالب آنکه محسن مخملباف، که خود از عوامل شکل‌گیری چنین روندی بود، چند سال بعد گرفتار همان سازوکار شد.

پدیده مخملباف: از «توبه نصوح» تا «توبت عاشقی»

مخملباف نمونه‌ای قابل‌تأمل در سینمای ایران است؛ کارگردانی که به تعبیر یوسفعلی میرشکاک «از سطحیت مسلمان به سطحیت روشنفکری رسید». فیلمسازی که روزگاری «توبه نصوح»، «استعاذه» و «دو چشم بی‌سو» می‌ساخت، کم‌کم به «شب‌های زاینده‌رود»، «توبت عاشقی» و در نهایت آثار فلسفی و ساختارشکن رسید. چهره‌ای جنجالی که زمانی، بنا به روایت مهدی فخیم‌زاده، آرزو می‌کرد نارنجک به خود ببندد تا همراه داریوش مهرجویی کشته شود، در دوران اصلاحات و انتخابات خانه سینما تمام تلاشش را می‌کرد که مبادا حزب‌اللهی‌ها در انتخابات پیروز شوند. «شب‌های زاینده‌رود» و «توبت عاشقی» را باید آغاز شک یک چهره فوق‌تندرو به آرمان‌هایی دانست که زمانی حاضر بود برایشان آدم بکشد. شک‌هایی که او را-به تعبیر نشریه گل‌آقا-از «آقای مخملباف» تبدیل کرد به «مخملباف».

سرنوشت مخملباف می‌تواند درس مهمی باشد برای تمام تندروهای که هنوز منش مخملباف دهه هشت راه راه نبات آفریده و هنر کشور می‌دانند؛ هرچند بعید است این افراد هم مانند خود او گوش شنوایی برای همزمان با روز اسناد ملی و میراث مکتوب، راینز فرهنگی ایران در پاکستان از پایان عملیات دیجیتال‌سازی بیش از ۱۷ هزار نسخه خطی در کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان خبر داد. خطی به عنوان شناسنامه فرهنگی و تمدنی، مأموریتی است که فراتر از نگهداری فیزیکی، نیازمند بازآفرینی دیجیتال با استانداردهای جهانی است. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نیز با درک این ضرورت، در دی‌ماه سال ۱۴۰۲ تحولی ساختاری را در فرآیند دیجیتال‌سازی آغاز کرد که منجر به شکسته شدن رکوردهای عملیاتی و اتمام موفقیت‌آمیز این پروژه بزرگ شد.

او ادامه داد: در آغاز این مسیر و طی فرآیند ارزیابی عملکرد در آذر و دی‌ماه سال ۱۴۰۲، واقعیتی نگران‌کننده برای مدیران و کارشناسان آشکار شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که از مجموع ۱۷ هزار و ۵۰۰ نسخه خطی موجود در این گنجینه کم‌ظنیر، تنها ۷ هزار نسخه طی سالیان گذشته دیجیتال‌سازی شده بود و بخش بزرگی از این میراث در معرض خطر قرار داشت.

مشکی همچنین گفت: تحلیل‌های آماری حاکی از آن بود که با توان فنی و نیروی انسانی وقت، دیجیتال‌سازی ۱۵۰۰۰ نسخه باقی‌مانده مستلزم صرف زمانی بالغ بر ۶ تا ۷ سال بود. این شکاف عمیق میان

از «برزخی‌ها» تا «تهران کنارت»

سینمای ایران؛ سرزمین مجوزهای بی‌اعتبار

ماجرای توقیف «تهران کنارت» بار دیگر نشان داد در سینمای ایران، هیچ مجوزی تضمین‌کننده اکران نیست. از «برزخی‌ها» تا «مارمولک» و «گشت ارشاد»، تاریخ توقیف در ایران پیشتر از آنکه درباره فیلم‌ها باشد، اختیار صدور مجوز دارند، اما اختیار دفاع از آن را نه.



نصیحت داشته باشند.

توقیف «مارمولک»: تاوان شوخی با روحانیت

کمال تبریزی با هر متر و معیاری، یک کارگردان خودی به حساب می‌آمد؛ فیلمسازی که در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا حضور داشت و بعدها با ساخت چند فیلم مورد پسند نگه رسمی، جایگاه تثبیت‌شده‌ای پیدا کرد. اما از دهه هفتاد، تبریزی کم‌کم به سمت ساخت فیلم‌های متفاوت رفت. البته تغییر نگاه او مثل مخملباف رادیکال نبود و به همین دلیل هم «لبلی با من است»- که نوعی شوخی با جنگ محسوب می‌شد -توسط مدیران فرهنگی تحمل شد.

اما ماجرای «مارمولک» فرق داشت. شوخی با روحانیت، یکی از آن خطوط قرمزی بود که عبور از آن به قیمت توقیف همیشگی فیلم تمام شد.

رسانه‌های اصول‌گرا تلاش کردند توقیف «مارمولک» را به حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت

ملی، نسبت دهند، اما روحانی بعدها این موضوع را تکذیب کرد و حتی گفت فیلم را بسیار دوست دارد و شیفته بازی پرویز پرستویی است. خود کمال تبریزی هم بعدها گفت برای توقیف فیلم تحت فشار شدیدی قرار گرفته و حتی تهدید به اعدام شده است.

تبریزی بعدها نیز به ساخت آثار جنجالی ادامه داد. آثاری مانند «از رئیس‌جمهور پاداش بگیرید» و سریال «سرزمین مادری» که هر دو توقیف شدند. با این حال، او برخلاف مخملباف آن‌قدر محتاط بود که دایره رسمی نظام خارج نشود و بتواند به فیلمسازی ادامه دهد.

گشت ارشاد» و «خصوصی»؛ آیینه مدیریت شمقدری

پس از پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات جنجالی ۱۳۸۸، مدیریت سینمای کشور به جواد شمقدری سپرده شد. چهره‌ای که خود را فیلمساز مسلمان و حزب‌اللهی می‌دانست و با انتشار دفترچه‌ای، دوران اصلاحات را عامل ناکامی سینمای ایران معرفی کرد.

شمقدری در ابتدای کار با رفع توقیف «به رنگ

ارغوان» و اهدای جوایز مهم جشنواره فجر، تلاش کرد چهره‌ای آزادی‌خواه از خود نشان دهد، اما مامعسل او در فورودین ۱۳۹۱ پایان یافت: زمانی که دو فیلم «گشت ارشاد» و «خصوصی» همزمان اکران شدند و خشم انصار حزب‌الله را برانگیختند.

مقترضان این دو فیلم را مبتذل و مستهجن می‌دانستند و علیه آنها تجمع خیابانی برگزار کردند. ماجرا تا جایی پیش رفت که چهره‌هایی مانند آیت‌الله سیداحمد خاتمی هم وارد میدان شدند. او در سخنانی صریح گفت: «آقایان صاحب‌مه می‌کنند که فیلم مستهجن نداریم؛ یعنی فیلم عریان و لخت نداریم! کارتان به اینجا کشیده که به این مسئله افتخار می‌کنید؟ آیا این مردم به شما اجازه می‌دهند به این سمت حرکت کنید؟ خود مسئولان اعتراف می‌کنند فیلم مشکل‌دار داریم؛ ما می‌گوییم همین را هم نداشته باشیم، چون اینجا نظام جمهوری اسلامی است و همه‌چیز باید در این تراز دیده شود.»

این دو فیلم‌هم به سرنوشت آثاری مانند «مارمولک» و «برزخی‌ها» دچار شدند تا بار دیگر ثابت شود حتی مجوزهای مدیرانی کاملاً خودی هم برای فیلمسازان ایرانی مصونیت ایجاد نمی‌کند.

البته فهرست فیلم‌های توقیفی سینمای ایران بسیار بلندتر از این چند نمونه است و پرداختن به همه آنها به دهه مقاله دیگر نیاز دارد. نکته قابل‌توجه اینجاست که حتی چهره‌های به ظاهر موجهی مانند ابراهیم حاتمی‌کیا و داوود میرباقری هم از تیغ سانسور و توقیف در امان نمانده‌اند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در

نتیجه همین سخت‌گیری‌ها، بیش از پیش به سمت

محتوایی می‌روند که هیچ نسبتی با نهادهای فرهنگی

رسمی ندارند.

اما تمام این سانسورها در نهایت نتیجه معکوس

داده‌اند. همه فیلم‌های توقیفی، سرانجام روزی دیده

شده‌اند و نه آب از آب تکان خورده و نه ارزش‌های مورد

نظر مدافعان توقیف از بین رفته است.

غواگنریتزینر بخش این ماجرا، اتلاف وقت و سرمایه

سینماگران و فرسایش ذهن و روان مردمی است که در